

یابیه هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی

ایران (راه کارگر)

گزارش کمیته تحقیق

تلاشی برای سرپوش نهادن بر

ایلغار کوی دانشگاه

کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی، گزارش در باره حادثه کوی دانشگاه در مقطع زمانی از ساعت ۲۸:۳۰ مورخ ۱۷ آذرماه ۷۸ تا ساعت ۱۰ صبح روز جمعه ۱۸ آذرماه ۷۸، را در تاریخ شنبه ۲۳ مردادماه ۷۸ منتشر کرد. گزارش نشان می‌دهد، علیرغم ادعای کمیته تحقیق بر رعایت "نهایت بیطرفی" در بررسی حقایق و واقعیات موجود و ارائه گزارش بر "مبنای عدل و انصاف"، این گزارش، گزارشی است یک طرفه برای کتمان حقایق و از زیر ضرب خارج کردن آمرین اصلی این حادثه خونین.

گزارش کمیته تحقیق نشان می‌دهد که پس از پایان راهپیمایی خودبخودی ۱۵۰ نفر از دانشجویان کوی دانشگاه و بازگشت آن‌ها به کوی، و پس از بازگشت نیروی انتظامی حوزه یوسف‌آباد، یگان‌های گوناگون نیروی انتظامی از کلتتری‌های مختلف به همراه انصار حزب الله که بصورت کاملاً هماهنگ سازماندهی شده بودند، و تحت فرماندهی جانشین فرماندهی منطقه مرکزی ناحیه تهران بزرگ، حمله به کوی دانشگاه را آغاز می‌کنند. نیروهای مهاجم با هماهنگی کامل حملات خونین و وحشیانه خود به کوی دانشگاه را ادامه داده و با گاز اشک‌آور و باطوم و انواع سلاح به ضرب و شتم دانشجویان می‌پردازند. بقیه در صفحه ۲

## پیام چهارمین کنگره سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مردم ایران

در صفحه ۳

## یک بام و دو هوا

ح-آبکناری

دو هفته بعد از حمله حزب الله و نیروهای انتظامی به کوی دانشگاه و تظاهرات شش روزه هزاران نفر در پایتخت و هشت شهر بزرگ ایران، پس از پر کردن زندان‌ها و محکومیت پاره‌ای از آن‌ها به اعدام، کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی در باره حادثه کوی دانشگاه تهران، گزارشی هزار صفحه‌ای در سه بخش تهیه و به رهبران رژیم داده و گزارشی خلاصه شده را نیز در اختیار رسانه‌ها قرار داده است. کمیته تحقیق گزارش حادثه‌ای که "رهبر معظم انقلاب اسلامی، ریاست محترم جمهور و ملت شریف ایران را متأثر کرد و اتفاقات بعدی آن که زمینه حضور برخی افراد مزدور، بی‌هویت و فرصت طلب را فراهم آورد"!!! موفق شد تعداد انگشت شماری از پیاده نظام سپاه سرکوب نظام اسلامی را مقصر تشخیص داده و آمران و فرماندهان اصلی را از مظان اتهام خارج کند. بقیه در صفحه ۲

## به کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد!

جناب آقای دبیرکل!

همانگونه که خبر دارید در پی اعتراضات دانشجویی گسترده در ایران که در اعتراض به عملیات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت تعداد زیادی از دانشجویان و آزادیخواهان شرکت کننده در اعتراضات، دستگیر و زندانی شدند. نشریه "کیهان" چاپ تهران در شماره دیروز خود (۱۴ اوت ۱۹۹۹) خبر از محکومیت عده‌ای از دستگیرشدگان جنبش ۹ ژوئیه ۱۹۹۹ به اعدام و نیز محکوم شدن عده دیگری از دستگیرشدگان به حبس‌های طولی‌المدت داده است. خبر پخش شده توسط وزارت اطلاعات و امنیت رژیم اسلامی، که یکی از اهرم‌های اصلی دو دهه شکنجه، اعدام و ترور است، را نباید دست کم گرفت. ما از شما خواهان اقدام فوری برای متوقف کردن اعدام‌ها هستیم. رژیم جمهوری اسلامی ایران هنوز نام شهدای جنبش ۹ ژوئیه ۱۹۹۹ را اعلام نکرده است، فهرست هزاران زندانی هنوز منتشر نشده است، کسانی که قرار است محاکمه شوند و یا محاکمه شده‌اند هیچ نوع امکانی برای دسترسی به وکیل مدافع غیروابسته به رژیم نداشته‌اند. محاکمات رژیم اسلامی طبق معمول در پشت درهای بسته، بطور سری و بدون حضور مطبوعات و رسانه‌های جمعی صورت می‌گیرد.

ما شما را مورد خطاب قرار داده و از شما می‌خواهیم که اجازه ندهید بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی با دامن کردن چوبه‌های دار و برپا کردن جوخه‌های اعدام خون بهترین فرزندان ایران را که علیه استبداد و برای آزادی و حق تعیین سرنوشت مردم توسط مردم بها خواسته‌اند، به زمین بریزد.

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ۲۴ مرداد ۷۸-۱۵ اوت ۹۹

رونوشت به: به "کمیسیون حقوق بشر" سازمان ملل، سازمان عفو بین‌المللی، پارلمان اروپا، کمیسیون حقوق بشر اروپا

## علیه خطر اعدام بپا خیزیم!

نشریه کیهان ارگان غیررسمی وزارت اطلاعات و امنیت رژیم اسلامی در ۲۳ مرداد ۷۸، خبر از محکومیت عده‌ای از دستگیرشدگان جنبش هجدهم تیر به اعدام و نیز محکوم شدن عده دیگری از دستگیرشدگان به حبس‌های طولی‌المدت داده است. خبر پخش شده توسط وزارت اطلاعات و امنیت رژیم اسلامی، که یکی از اهرم‌های اصلی دو دهه شکنجه، اعدام و ترور است، را نباید دست کم گرفت. باید فوراً در وسیع‌ترین شکل ممکن به اقدام برخاست؛ هر نوع درنگ تنها به بهای جان عزیزان در بند، تمام خواهد شد. ما همه سازمانها، احزاب و نهادهای طرفدار حقوق بشر در ایران و در سراسر جهان را به اقدام فوری و عاجل علیه موج اعدام‌ها فرا می‌خوانیم. نباید اجازه داد که بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی با دامن کردن چوبه‌های دار و برپا کردن جوخه‌های اعدام، خون بهترین فرزندان کشور را که علیه استبداد و برای آزادی و حق تعیین سرنوشت مردم توسط مردم بها خواسته‌اند، بر زمین بریزد.

هیئت اجرائی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۲۴ مرداد ۷۸-۱۵ اوت ۹۹

بقیه از صفحه ۱ بیانیه هیئت اجرائی سازمان .....

وقتی گزارش را از ابتدا تا انتها دنبال می کنیم، روشن می شود که اعضای کمیته تحقیق تلاش کاملاً آشکاری بکار برده اند تا این حرکت کاملاً سازمان یافته و بدستور مقامات بالا را، حرکت یک بخش از فرماندهی "خودسر" معرفی کند. این تلاش به گونه ای تنظیم شده، تا روشن نشود چه مقامی می تواند روی حرف وزیر کشور، بعنوان جانشین فرمانده کل قوا در نیروی انتظامی حرف بزند و از نیروی های عمل کننده و فرماندهان بخواهد که دستورات او را اجرا نکنند. گزارش روشن نمی کند که چگونه تنها جانشین فرمانده ناحیه انتظامی تهران بزرگ، فرمانده یگان ویژه ناحیه انتظامی تهران بزرگ، فرمانده نیروی پلیس ویژه، جانشین ناحیه انتظامی منطقه مرکزی، و فرماندهان یگان ویژه ضداعتشاش، می توانسته اند بدون دستور فرمانده نیروی انتظامی، بصورتی هماهنگ عمل کرده و تنها آن ها در حادثه کوی دانشگاه مقصر باشند؟ هیچ شکی نیست در شرایطی که وزارت کشور، مقامات وزارت فرهنگ و آموزش عالی و نیز مقامات مسئول دانشگاه مخالف این شکل از تهاجم وحشیانه به دانشجویان بوده اند، دور زدن نهادهای فوق تنها از طریق دستور مستقیم ولی فقیه می توانست صورت بگیرد. هیچ شکی نیست که این اقدام حلقه ای برنامه ریزی شده از زنجیر تعرض عمومی جناح حاکم برای سرکوب مطبوعات (بستن سلام) و جنبش دانشجویی بود نه یک اقدام خودسرانه و اتفاقی. در این جاست که کمیته تحقیق تلاش بسیاری بکار برده است تا با گفتن بخشی از حقیقت، نقش فرمانده نیروی انتظامی و مقام مافوق او یعنی شخص ولی فقیه را در سایه قرار دهد و این حقیقت آشکار را بپوشاند.

کمیته در مورد باندهای چماقداران انصارحزب الله نیز به همین گونه عمل می کند. کمیته بر اساس گزارش خود می پذیرد که این نیروها با سازماندهی کاملاً روشن و هماهنگ وارد عمل شده اند و چهره های اصلی آن ها نیز در ضرب و شتم دانشجویان نقش کلیدی داشته اند، اما بطور آشکار از وزارت اطلاعات می خواهد که آن ها را پس از بازجویی آزاد نماید و همچنین هیچ تلاشی برای نام بردن از آمران اصلی آن ها و مقامات قدرتمند پشت سرشان انجام نمی دهد و روشن نمی کند که چرا باید این مزدوران فوراً آزاد شوند و دانشجویان زخمی و غیر زخمی دستگیر شده هفته ها در زندان بمانند. کمیته از وزارت اطلاعات می خواهد: «با تشکیل های غیرقانونی، که بنام تشکیلات دانشجویی در خارج از دانشگاه و بعضاً داخل دانشگاه فعالیت می نمایند، برخوردهای قاطع و اصولی صورت گیرد و جلوی این گونه تحركات به شدت گرفته شود»، اما وقتی پای انصارحزب الله به میان می آید و نقش آشوب گرانه و جنایت کارانه شان بصورت مستند روشن می شود، از وزارت اطلاعات خواهان آزادی فوری آن ها پس از بازجویی های اولیه می گردد.

کمیته تحقیق در گزارش خود از ایلغار کوی دانشگاه - که با هماهنگی کامل همه دستگاه های سرکوب از وزارت اطلاعات و امنیت تا نیروهای رنگارنگ انتظامی و نیز چماقداران حرفه ای صورت گرفت و در

نوع قساوت اعمال شده روی همه سرکوب گران تاریخ را سفید کرد. از پرتاب کردن دانشجویان از بام خوابگاه به پائین با فریاد "حسین از ما بپذیر"، از آتش زدن آفاق ها و ویران کردن هدف مند آن ها و از مجموعه جنایات سازمان یافته نیروی انتظامی و شبه نظامیان انصار رهبر، هیچ سخنی نمی گوید و این جا و آن جا تلاش می کند تا خسارات های وارده را نتیجه اقدامات دو طرف قلمداد کرده و از این طریق جرم آشکار مهاجمین وحشی نیروی انتظامی و شبه نظامیان انصار رهبر را، پرده پوشی کند. و این نیز نشان از طرفدار بودن کمیته تحقیق در خود دارد.

کمیته تحقیق حادثه کوی دانشگاه، درست در شرایطی که که هزاران دانشجو در بیدارگاه های انقلاب اسلامی زیر شکنجه قرار دارند و یا برایشان شوهای تلویزیونی ترتیب داده می شود، و بدون آن که جرم شان ثابت شده باشد، اسامی شان را در رسانه های رسمی اعلام می کنند، و بر اساس خبر روزنامه کیهان در ۲۳ مرداد ۷۸، گروهی از آن ها به اعدام محکوم شده اند، می نویسد: «از آن جا که برخی از افراد دستگیر شده، در حال حاضر بازداشت می باشند و هنوز محکومیت آن ها قطعی نشده است و همچنین به منظور حفظ و رعایت حقوق و حریم خصوصی و احترام به حقوق اجتماعی افراد و مظلومین مرتبط حادثه در این گزارش از ذکر اسامی افراد خودداری شده است». و این بیان گر خصوصیت تبعیض آمیز قانون در نظام جمهوری اسلامی است. و آشکارترین بیان تفاوت خودی های و غیرخودی ها و بی حقی کامل غیرخودی ها در حکومت دینی.

گزارش کمیته تحقیق، یکبار دیگر این حقیقت بارها ثابت شده را، اثبات می کند که حکومت ولایت فقیه، حکومت بی قانونی سازمان یافته است؛ در این نظام هر چه رهبر رژیم بخواهد انجام می گیرد؛ باندهای مافیایی اطراف او بر مقدرات این مملکت حکومت می کنند؛ قوه مجریه و نهادهای قانون ساخته، اگر نخواهند منویات و دستورات رهبر را به اجرا درآورند، نه تنها هیچ قدرتی ندارند، بلکه به راحتی خنثی و بی اثر می شوند؛ مردم در آن به خودی ها و غیرخودی ها تقسیم می شوند و غیرخودی ها از هیچ حقی، حتی از اولیه ترین حقوق انسانی محروم هستند؛ و بالاخره وظیفه کمیته های تحقیق، پوشاندن این ساختار قدرت و سرپوش نهادن بر نقش رهبر رژیم و باندهای مافیایی اطراف او در جنایات سازمان یافته است. این واقعیت را در نحوه کار کمیسیون تحقیق رئیس جمهور در بررسی قتل های زنجیره ای نیز دیده ایم و در این مورد نیز مشاهده می کنیم.

حادثه کوی دانشگاه و گزارش کمیته تحقیق شورای عالی امنیت ملی، نشان می دهد که امید به قانون مند شدن جمهوری اسلامی، امید عبثی بیش نیست. از این رو برای ایجاد ساختارهای قانونی و انسانی، برای حفظ شرافت انسانی همه آحاد این کشور، برای قانون مند کردن حیات سیاسی و اجتماعی، و برای پایان دادن به بی قانونی های سازمان یافته، باید از سد قانون اساسی جمهوری اسلامی و از هسته مرکزی آن ولایت فقیه گذشت. تنها بر ویرانه های جمهوری اسلامی امکان بر پا کردن جامعه ای انسانی فراهم خواهد آمد.

۲۴ مرداد ۷۸ - ۱۵ اوت ۹۹

دنباله از صفحه ۱ یک بام و دو هوا

شتاب حیرت انگیز کمیته تحقیق به همراهی و همکاری همه ی عوامل سرکوب از وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران ... و شورای عالی امنیت ملی تا مسئولین عالی رتبه جفت و تاق نظام برای "روشن شدن" واقعه ای کوی دانشگاه، هر آدم بی طرفی را به یک سؤال اساسی وا می دارد. اگر امکان تحقیق و نتیجه گیری و بازشناسی عوامل کوی دانشگاه به این زودی ممکن است، پس چرا و چگونه هشت ماه پس از سپری شدن آخرین گروه از قتل های زنجیره ای که در سه سال پیش از آن با قتل میرعلاتی شروع شده بود، هنوز که هنوز هست هیئت بلندپایه نظام که حداقل هشت ماه است رسماً مأمور رسیدگی آن شده اند، پای در گل، سرگرم چند و چون ماجرا هستند؟ و سعی می شود ماجرا در همه ی ابعاد آن به شخصی بنام (سعید امامی، اسلامی، قوامی) و کشتن او سرهم بندی شود؟؟

در پرونده هجده تیر با جزئیات واقعه تا حد این که این فرمانده چه گفت و آن دانشجو چه جواب داد، آشنا می شویم و نمایشنامه هزار صفحه ای درباره آن تدوین می شود، در حالی که هیئت تحقیق قتل های زنجیره ای هنوز گرفتار اثبات واقعی بودن قتل سعید امامی است؟ این تفاوت و یک بام و دو هوایی، زمانی بیشتر حیرت انگیز می شود که تحقیق هر دو پرونده با دستور "رهبر معظم انقلاب" که نگران است و "ریاست محترم جمهوری" که قانون گراست صادر شده و ضروری بودن فوریت نتایج هر دو پرونده به هیئت های تحقیق ابلاغ شده است! پس این دوگانگی در راکد گذاشتن اولی و شتاب دومی از چه رو و چراست؟

پاسخ به این مشکل هوش سرشار نمی خواهد. زیرا پرونده تحقیق درباره قتل های زنجیره ای از آن رو پایش در هوا مانده است که دم خروس به گندگی "رهبر معظم انقلاب" و وزرای معتمدش از بغل عیان است و هیئت تحقیق مستأصل از واقعیات عیان، وامانده است چگونه این "لکه مقدس" را از پرونده ای این کشتار پاک کند! هیئت تحقیق تنها عقلش به این قد داده است که سعید امامی نامی را پیدا کند در وزارت امنیت اسلامی و به عنوان عامل نفوذی و جاسوس، واجبی خورش کند و برای این شهید حسینی مجلس ترحیم و روضه خوانی با شکوه با شرکت چهارصد مأمور امنیتی و تعدادی از "مسئولین عالی مرتبه نظام" بنا به قول شریک جرم محترم "آیت الله یزدی" راه بیاندازد، تا این جنایات منجرکننده به حساب "ولی فقیه" واریز نشود. در تکمیل این پاک سازی کثافات رهبران "مقدس"؛ سازمان قضائی نیروهای مسلح آسمان را به ریسمان می دوزد تا حافظه تاریخی مردم ایران و وجدان

حقوق بشری جهان را از کار بیاندازد! اگر این‌ها هم نشد کفایت عکس سعید امامی با موی بلند و قیافه "ضداسلامی" در آمریکا، چاپ شود تا روشن گردد این "مزدور سیا و موساد" باعث و بانی همه‌ی جنایات بوده و با کوتاه کردن موی سر و دراز کردن ریش و سرقت نام "مقدس امامی" به تاسی از نام "مقدس امام راحل" بتواند همه‌ی رهبران عالی‌رتبه و حتی شخص "رهبر معظم انقلاب" را "بازی" دهد!!

کش دادن هر چه بیشتر ماجرا هم به خاطر خسته کردن مردم از دنبال کردن حقیقت است تا عاملین و آمرین این کشتار ولی فقیه فرموده از زبان‌ها افتاده و اعتراض مردم جهان و پرسش دولت‌های تحت فشارشان خاموشی گیرد!

اما جریان کوی دانشگاه از جنس دیگری است. در این نمایشنامه باید صحنه را جوری آرایش داد تا سازماندهندگان و فعالین انقلابی ضداستبداد به چوبه‌دار سپرده شوند، باید زندان‌ها از آزادی خواهان پر شود تا این "فتنه" بخوابد. و البته نمی‌شود این جنایات را بدون محملی محکمه‌پسند انجام داد. پس باید مثل برق و باد پرونده را روبه‌راه کرد و طی بیست و دو روز کار مداوم و شبانه‌روزی کار را به قیمت دراز کردن چند نفر پیاده نظام رژیم هم که شده به پایان رساند! و در مقابل، آزادی خواهان را دسته دسته به دست زنگی مست یعنی وزارت اطلاعات و امنیت سپرد تا با کتک و شلاق و شکنجه و چوبه‌دار و شوی تلویزیونی کار تحقیق را به پیش برد! و سرانجام برای خالی نبودن عریضه با اعلام "ضعف و کاستی دستگاه‌های ذی‌ربط امنیتی، سیاسی و فرهنگی" و "احضار و مصاحبه با افراد مظنون و حاضر در صحنه، دستگیری و بازداشت گروه‌ها و افراد مرتبط با واقعه ..."

به حقیقت رسید!! ادامه کار البته هر جا که مربوط به شکنجه و اعدام انقلابیون است به وزارت اطلاعات واگذار می‌شود تا با قتل عام و اسیر گرفتن آن‌ها "رهبر معظم انقلاب" و سایر دولت مردان آسوده بخوابند.

بی‌گمان اما اکثریت مردم ایران این سیاست یک بام و دو هوا را دریافته‌اند و خواب این آدم‌کشان و انسان‌ستیزان را آشفته خواهند کرد. همه‌ی رویدادها این حقیقت را گواهی می‌دهند.

**نگذاریم پرونده‌ی تروریسم دولتی مشمول مرور زمان شود!**

## پیام چهارمین کنگره سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) به مردم ایران! دانشجویان، دانشگاهیان

راهپیمائی باشکوه انقلاب ایران، با فریادهای فشرده و توفنده‌ی "مرگ بر استبداد" شما در هجدهم تیر ۱۳۷۸، آغاز گشته است. این حقیقتی است که در تاریخ معاصر ما ثبت خواهد شد. نفرت انباشته شده‌ی بیست ساله‌ی همه‌ی مردم ایران از رژیم حاکم، در شش روز باشکوه، از حجره‌ی خونین شما فرزندان برومند آزادی خواهان، در فریادی سترگ به جهانیان اعلام شده است. اکنون راه بی‌بازگشت در پیش است و این راه تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پایان خواهد گرفت.

این حقیقت را تنها ادعای اردوی انقلاب گواهی نمی‌دهد. اعتراف آشکار خود حکومت ضدانقلاب است که سند مدعای ماست. حکومت گران چنان از هیبت شما هراسان شده‌اند که یکشنبه با هم همیار و هم آوا گشته‌اند! سه نهاد بالای هرم حکومت اسلامی که از پشت به هم خنجر می‌زدند و از روبرو برای هم دندان تیز می‌کردند، درمانده و نگران، پشت در پشت و شمشیر آخته در مشت، رودرویی شما ایستاده‌اند! دیگر ولی فقیه از ریاست جمهوری حمایت می‌کند و ریاست جمهوری از او و رئیس شورای محصلت نظام از هر دو! جنایتکاران مکار، وحشت زده از گام‌های مطمئن شما با دو حربه به میدان آمده‌اند! از یک سو می‌کوشند با استفاده از همه‌ی امکانات خود، اتحاد شما را درهم شکسته و پاره پاره‌تان کنند، و از سوی دیگر با ایجاد فضای رعب و وحشت، با بگیر و ببند، شوهای تلویزیونی، طناب‌دار و تیر و تیر و تهدید به تکه تکه کردن و قطعه قطعه کردن، جنبش به راه افتاده را مرعوب کنند. از این نمایش وحشت و وحشت‌زدگان، کسی دل نگران نمی‌شود، آن‌ها خودشان ترسیده‌اند. و از آن‌جا که مرگ خود را فرارو می‌بینند، بر سرنیزه تکیه زده‌اند. بی‌گمان این سرنیزه‌ها سرانجام زیر گلوی خود آنان قرار خواهد گرفت، زیرا بر خرمن خرمن شعله‌های آتش، نفت می‌پاشند!

**دانشجویان، فرزندان برومند مردم در بند!**

اگرچه شما خود به تنهایی یک ونیم میلیون نفرید و با جلوه‌ی حضور خود، رژیم را عاجز کرده‌اید؛ در کنار شما، اما بسیاراند: هفده میلیون دانش‌آموز؛ هفتاد درصد جمعیت، یعنی جوانان اکثرأ ناراضی از رژیم؛ نیمی از جمعیت یعنی زنان که در شرایط آپارتاید جنسی به سر می‌برند؛ کارگران و سایر مزدو حقوق بگیران، همچون آموزگاران، پرستاران، کارمندان جزء و سربازان و پرسنل فرودست ارتش و سایر نیروهای انتظامی؛ خلق‌های سراسر ایران؛ نویسندگان، هنرمندان، روشنفکران، آزادی خواهان ... و در یک کلام اکثریت مردم ایران با شما. این همه را آیا می‌توان به زندان انداخت و تیرباران کرد؟ آیا می‌توان آتشفشان بیزاری عظیم این دریای انسانی را با دار و تیر مهار کرد؟

این شعله‌ای را که شما برافروخته‌اید، نه تنها دانشگاه‌ها، خیابان‌ها، که کارخانه‌ها، مدارس، محلات، کوچه‌ها و پس‌کوچه‌ها را هم فرا خواهد گرفت. نافرمانی مدنی توده‌گیر خواهد شد و سرکوب گران

را فرسوده خواهد کرد، مقاومت منفی اکثریت مردم، در همه‌ی اشکال را چگونه می‌توان سرکوب کرد. تشدید و تداوم مبارزه‌ی شما، دشمن را خسته کرده و توان سرکوب را از آن‌ها خواهد گرفت.

### کارگران و زحمتکشان!

### بیکاران و مزدو حقوق بگیران!

رهبران رژیم جمهوری اسلامی ایران، زخمی از نمایش قدرت جنبش دانشجویی می‌کوشند برای سرکوب تمام عیار آن و محدود کردن دامنه‌ی آن، این جنبش را از جنبش بقیه مردم، جدا کنند. از این رو سازماندهی اعتصاب‌های حمایتی و پیوند جنبش مطالباتی با جنبش آزادی خواهانه، حلقه‌ی دفاعی قابل اطمینانی است که سرکوب دانشجویان را به وسیله رژیم محدود می‌کند. علاوه بر این مبارزه برای حق تشکل مستقل و سراسری و پیوند مبارزه کارگران صنایع بزرگ با میلیون‌ها کارگر کارگاه‌های کوچک، اهم نیرومندی است که از آن طریق می‌توانید به مثابه یک طبقه واحد در صحنه کارزار آزادی خواهی وارد شده و بین نان و آزادی پیوندی ارگانیک برقرار کنید.

اگر تأمین آزادی و دموکراسی واقعی در گرو تأمین عدالت اجتماعی است، تأمین عدالت اجتماعی و نان هم در گرو تأمین آزادی و دموکراسی است. هم از این روست که مبارزه‌ی جنبش دانشجویی و روشنفکران آزادی خواه، مکمل مبارزه طبقاتی شماست. پس اگر دفاع از این جنبش، دفاع از حق زندگی و حقوق انسانی شما هم هست، از زندگی‌تان دفاع کنید. در کارخانه‌ها و در محلات هسته‌های مقاومت ایجاد کنید و از جان دانشجویان و همه‌ی آزادگان در مقابل ضربات استبداد سرمایه‌داری و مذهبی دفاع کنید.

### دانش آموزان، جوانان ایران!

جنبش دانشجویی، جنبش شما هم هست. و بخشی از شما، در شش روز حضور خیابانی، در کنار این جنبش با مشت‌های گره کرده، بیزاری خود را از استبداد ولایت فقیه اعلام کرده‌اید. این جنبش علیه رژیمی است که حقوق شهروندی، حقوق مدنی، حق انتخاب و حق آزادی از قیودات حاکم، حق داشتن چشم‌انداز روشن و انسانی را، به زور بسجی و سایر گروه‌های سرکوب چون گروه امر به معروف و نهی از منکر و تحمیل اجباری قوانین ارتجاعی از شما می‌گیرد.

با تشکیل گروه‌ها و هسته‌های مقاومت محلی، مقاومت منفی را علیه رژیم ضدآزادی، سازمان دهید. با نافرمانی مدنی و پشت پا زدن به قوانین و مقررات ارتجاعی حکومت، و پاسداری از شور زندگی، شادابی و جوانی، رژیم زندگی ستیز را کلافه کنید. روی همه‌ی ممنوعه‌های حکومت ولایت فقیه و قانونیت ارتجاعی اش پا بگذارید و آزادی کشان را درهمه‌ی اشکال ممکن مستأصل کنید!

### زنان آزادی خواه ایران!

هر قدم عقب راندن ارتجاع زیر فشار جنبش اجتماعی و جوانان، به نوبه‌ی خود گامی است به جلو برای به چنگ آوردن حقوق طبیعی شما. جنبش دانشجویی و جوانان که نیمی از نیروی انسانی آن را خود شما زنان تشکیل می‌دهید؛ زمینه‌ای فراهم آورده

است که در پیوند با آن می‌توانید خواسته‌های اخص خود را به رژیم زن‌ستیز تحمیل کنید.

سازماندهی اقدام حول این خواسته‌های اخص و پیوند آن با جنبش دانشجویی و جوانان، رژیم آپارتاید جنسی را به زانو در خود خواهد آورد.

با مبارزه علیه جداسازی جنسی، علیه حجاب اجباری و آزادی پوشش و لغو قوانین ضدزن در تمام عرصه‌ها، زیرپای فقها را که زنان را به عنوان جنس دوم در قوانین ارتجاعی خود نهادی کرده‌اند، خالی کنید.

### خلق‌های سراسر ایران!

دانش‌جویان به عنوان حلقه‌ی مقدم دفاع از آزادی و علیه استبداد، به‌ویژه استبداد مذهبی به‌پا خاسته‌اند. آن‌ها با شعار «مرگ بر استبداد»، نظامی را می‌خواهند که در مبانی آن همگان حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند.

پس شعار «مرگ بر استبداد» از زبان دانشجویان، مرگ بر دشمنان خلق‌های سراسر ایران هم هست. جنبش حق تعیین سرنوشت خلق‌های ایران با جنبش کارگران، زنان، جوانان و روشنفکران آزادی‌خواه گره خورده است. اگر حقوق خلق‌های ایران با تأمین آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی گره خورده است، پس پیوند جنبش خلق‌ها با جنبش عمومی است که کارزار اکثریت مردم ایران را در مقابل رژیم دشمن حق استقلال خلق‌ها به پیش می‌برد. همگام با جنبش عمومی، علیه سرکوب دانشجویان و برای نجات بازداشت‌شدگان و جلوگیری از اعدام آن‌ها، در هر شکل ممکن اقدام کنید.

### روشنفکران، نویسندگان و هنرمندان آزادی‌خواه ایران!

شما که در این بیست سال سیاه حاکمیت استبداد مذهبی بیشترین مقاومت فرهنگی را در مقابل ارتجاع از خود نشان داده‌اید، امروزه حاصل آن را در شعارهای هزاران دانشجوی آزادی‌خواه با چشم‌های خود دیده‌اید. شعار «آزادی اندیشه، همیشه، همیشه» شعار اخصی شما اندیشه‌ورزان، فرهنگ‌سازان، روزنامه‌نگاران هم هست.

در شرایط کنونی پیش برد این شعار با حمایت از جنبش دانشجویی گره خورده است. پیام دانشجویان را به همه‌ی جهان برسانید تا از افکار مترقی مردم جهان اهرمی بسازید برای فشار به رژیم سانسور و اختناق در ایران. با دفاع از حق زندگی آزادانه جوانان، و تلاش برای نجات جان دانشجویان در بند و افشای رژیم سرکوب، مبارزات آزادی‌خواهانه خود را با جنبش عمومی پیوند بزنید.

### دگراندیشان و اقلیت‌های مذهبی ایران!

رژیم آپارتاید جنسی و مذهبی تنها مسلمانان شیعی اثناعشری معتقد به ولایت مطلقه‌ی فقیه را که تفسیر هیئت حاکمه را از آن پذیرفته باشند، به رسمیت می‌شناسد. این نظام که یکی از ویژه‌گی‌هایش تقبیل عقاید است، جز خود، همه را غیر خودی دانسته، و در عمل حقوق انسانی‌شان را درباره اعتقادشان به رسمیت

نمی‌شناسد. رژیم ولایت فقیه دشمن آشتی‌ناپذیر جداگی دین از دولت است و مدافعین آن را دشمن خود و دشمن اسلام می‌داند و با انگیزه‌ی ایدئولوژیک، آنان را سرکوب می‌کند.

در پیوند با جنبش عمومی و دانشجویی و سازماندهی مقاومت منفی و نافرمانی مدنی، می‌توان ملایان را واپس راند. زیرا با حضور فقها، استقرار یک نظام مردم‌سالار بر پایه‌ی جدائی دین و هر نوع ایدئولوژی و حزب از دولت، ناممکن است.

### خانواده‌های شهدا و بازداشت‌شدگان همه‌ی این بیست ساله‌ی سیاه!

مادران، خواهران، برادران، پدران، همسران و فرزندان قتل‌عام‌شدگان و شکنجه‌شدگان! جگرگوشه‌گاتان به جرم دفاع از آزادی و عدالت اجتماعی و زندگی بهتر به خاک و خون افتاده‌اند و در اسارت‌گاه‌های رژیم شکنجه در بندند. رژیم دوباره از وحشت جنبش مردم‌دادخواه، یک بار دیگر زندان‌ها را پر و تیرهای دار برپا کرده است! با هم و سازمان یافته، جگرگوشه‌گاتان را یاری کنید. تجمع جلوی زندان‌ها در شهرهای گوناگون، تجمع جلوی بی‌دادگاه‌ها و مراکز قضائی، فرستادن نامه به همه‌ی نهادهای بین‌المللی و حقوق بشری، گردهم‌آیی بر سر مزار عزیزان به خاک خفته، به‌ویژه در دهم شهریور امسال که سالگرد کشتار هزاران زندانی سیاسی اسیر به‌وسیله رژیم است، حکومت ولایت فقیه را زیر فشار قرار دهید و از همه‌ی اشکال ممکن برای نجات جان زندانیان استفاده کنید.

### مردم آزاده‌ی ایران در بند!

اگر در گذشته امید به بهبود اوضاع در چهارچوب «قانونیت» و «اصلاح‌طلبی» بر پایه قانون اساسی حکومت ولایت فقیه سرایی بیش نبود، امروزه چشم دوختن به کرامات آن قطعاً خودفریبی است. کار اصلاح‌طلبی و قانون‌گرایی به بن‌بست رسیده است و عامل اصلی این بن‌بست خود قانون اساسی است. قانونی که خاتمی برای انجام «اصلاحات» و «توسعه سیاسی» و «قانونیت» بر آن تکیه می‌کند! زیرا در این قانون حرف آخر را تنها یک «ماده» می‌زند! اجرای بدون چون و چرای فرامین نماینده خدا بر روی زمین، یعنی ولی‌فقیه توسط همگان! و جنبش دانشجویی در جلوه‌ی شش‌روزه‌اش همین ماده را نشانه رفته بود. و با شعار «خامنه‌ای حیا کن، ولایتو رها کن» به قول هاشمی رفسنجانی، «عمود خیمه انقلاب» زیر ضرب قرار گرفته است. جنبش هجدهم تیر نشان داد که گام نخست نبرد با رژیم اسلامی، با زیر پا نهادن قانون اساسی ارتجاعی آن و عبور از خط قرمزهای رژیم، ممکن خواهد شد. پس با تشدید نافرمانی مدنی و قانونی، خط قرمزهای رژیم را تحقیر کنید!

شکست پلاتفرم «قانون‌گرایی» اما پایان جدال درونی حکومت‌گران نیست. زیرا نتایج عظیم جنبش شش‌روزه و ادامه آن به صورت مختلف، موجب تشدید شکاف بیشتر در درون هیئت حاکمه خواهد شد. این شکاف به همان نسبتی که تعقیق می‌شود، به نوبه‌ی خود امکانات

مبارزه؛ به‌ویژه شکل علنی آن را بیشتر فراهم می‌کند. از این رو برای از پا انداختن رژیم می‌بایست با استفاده از همه‌ی اشکال مبارزه، فشار به رژیم را تشدید کرد. مبارزه حول خواسته‌های بی‌واسطه و یگانه کردن جویبارهای مختلف جنبش، قدرت دفاعی و تعرضی آن را تقویت می‌کند، و رژیم شکنجه را منزوی می‌سازد.

هیئت حاکمه با دنبال کردن دو تاکتیک، زنده است. اتحاد در درون حکومت و ایجاد تفرقه در بین مردم! تشدید مبارزه شما، اما این هر دو را غیرممکن خواهد کرد. تشدید مبارزه اکثریت مردم شکاف درون حکومتیان را بیشتر می‌کند و خود این شکاف موجب فلج شدن آنان در سرکوب مبارزه مردم خواهد شد. آن‌ها آرزو دارند چنگ در چنگ و با لیخندی مطمئن رودرروی مردم بایستند! اما جنبش عمومی اکثریت مردم با شتاب بخشیدن به خود، موجب خواهد شد تا آن‌ها بیش‌تر از پیش رودرروی هم ایستاده و هم دیگر را بیش‌از پیش بی‌اعتبار کنند.

اعضاء و هواداران سازمان و نیروهای چپ! زمان تصمیم‌های بزرگ فرا رسیده است و ما باید با آمادگی کامل به استقبال آن برویم. از دست دادن هر لحظه و هر موقعیت می‌تواند خطایی جبران‌ناپذیر باشد. متأسفانه در چنین شرایطی، چپ اگر چه نیروی اجتماعی مهمی است، اما به مثابه یک قطب سازمان یافته‌ی تعیین‌کننده، جای پای قابل‌اطمینانی در روند حوادث ندارد. در حالی که چپ نیرویی است که اگر چه پراکنده اما با برنامه‌ی کم و بیش روشن.

تجربه انقلاب ۵۷ نشان داده است که چپ دیگر حق ندارد زیر عنوان «همه با هم» به عنوان جاده صاف‌کن دیگران چه ارتجاعی، چه غیرارتجاعی عمل کند. برای این که خطای انقلاب ۵۷ تکرار نشود، چپ قبل از هر اقدام ائتلافی باید خود به عنوان یک قطب تعیین‌کننده به میدان بیاید. در آن صورت است که از موضع یک نیروی جدی و قدرتمند می‌تواند با سایر نیروهای دموکراسی وارد مذاکره و اتحاد عمل شود.

سازمان ما به‌طور مشخص با پیشنهاد پلاتفرم اتحاد عمل همه‌ی هواداران سوسیالیسم به عنوان عامل تضمین‌کننده یک آلترناتیو قابل قبول، کوشیده است شکل مناسب را برای غلبه بر پراکندگی چپ اعم از کمونیست‌ها و غیرکمونیست‌ها ارائه کند.

این ظرف می‌تواند در شرایط امروز ایران، آلترناتیوی باشد که در عین حال راه را برای رقابت و جایگزینی مسالمت‌آمیز آلترناتیوهای دیگر نبسته و مبنای کسب قدرت سیاسی را رأی اکثریت مردم قرار دهد. حکومت اکثریت عظیم برای اکثریت عظیم در پرتو این اتحاد طبقاتی و دموکراتیک ممکن است.

هم از این رو و بر پایه اعتقاد به رأی اکثریت مردم است که ما اعلام می‌کنیم اگر رژیم ادعای خود در حمایت مردم از نظام اسلامی را باور دارد، «خط‌قرمز»‌هایش را از طریق یک رفتارندام به رأی مردم بگذارد تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد.

## نه ولایت، نه جنایت! حکومت خود مردم! رفتارندم! رفتارندم!